



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۰

پاسخنامه

پایه :	۵	موضوع :	اصول ۲
تاریخ :	۹۰/۳/۱۷	ساعت :	۱۸

نام کتاب: اصول الفقه، از ابتدای الباب السابع (مجمّل و مبین) تا اجتماع امر و نهی

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. گزینه غلط را مشخص کنید. ج ۲۱۷-۲۱۹

أ. حسن و قبح به معنای کمال و نقص، هم صفت افعال هم صفت متعلقات آنها واقع می شود.

ب. حسن و قبح به معنای ملائمة و منافرة، هم صفت افعال هم صفت متعلقات آنها واقع می شود.

ج. حسن و قبح به معنای مدح و ذمّ، هم صفت افعال هم صفت متعلقات آنها واقع می شود. ■

د. حسن و قبح به معنای مدح و ذمّ، فقط صفت افعال اختیاری است

۲. کدام گزینه در مورد قضایای «العدل حسن» و «الظلم قبیح» صحیح است؟ ب ۲۳۱

أ. از قضایای اولیه هستند

ج. برای آنها واقع خارجی وجود دارد

۳. کدام گزینه، مقدمة الوجوب است؟ الف ۲۶۹

أ. الاستطاعة بالنسبة إلى الحجّ ■ ب. السفر بالنسبة إلى الحجّ ج. الوضوء بالنسبة إلى الصلاة د. الركوع بالنسبة إلى الصلاة

۴. در عمل به اماره با انکشاف یقینی خطا، نظر معروف امامیه نسبت به اجزاء چیست؟ ب ۲۵۱

أ. مطلقاً مجزی است

ج. فقط در احکام مجزی است

ب. مطلقاً مجزی نیست ■

د. فقط در موضوعات مجزی است

تشریحی:

۱. دلیل کسانی که قائل به اجمال آیه شریفه «حرمت علیکم امهاتکم» شده اند، نوشته، آن را پاسخ دهید. ۲۰۱ س: ۴ (ع: ۲: ۵)

دلیل: تحریم و تحلیل به افعال اختیاری اسناد داده می شوند نه به اعیان، بنا بر این در مواردی که حکم تکلیفی به اعیان تعلق گرفته باید چیزی در تقدیر گرفته شود و چون قرینه ای بر تعیین آن نیست اجمال پیش می آید.

پاسخ: به قرینه مناسبت حکم و موضوع، کلمه «نکاح» مقدر است؛ بنا بر این اجمال وجود ندارد.

۲. مراحل چهارگانه بحث در مستقلات عقلیه را به ترتیب بنویسید. ۲۱۳/۶ (ع: ۱: ۲)

۱. آیا افعال، با قطع نظر از بیان شارع، حسن و قبح دارند. ۲. بر فرض داشتن، عقل مستقلاً می تواند آنها را درک کند یا خیر؟ ۳. بر فرض اینکه

عقل درک کند، آیا عقل حکم می کند به ملازمه بین آن حکم عقل و حکم شرع؟ ۴. بعد از ثبوت ملازمه و قطع به اینکه شارع چنین حکمی دارد،

آیا این حکم شرعی که به وسیله عقل درک شده، حجّت است؟

* استدلال العدلیة بأنّ الحسن والقبح لو كانا لا یثبتان الاّ من طریق الشرع فهما لا یثبتان أصلاً حتی من طریق الشرع. ۲۳۳

۳. بهترین تصویر برای استدلال فوق را به نظر مرحوم مظفر بیان کنید.

وجوب اطاعت از اوامر و نواهی شرعیه نزد طرفین مسلم است. پرسشی که اینجا مطرح می شود این آن است که منشأ این وجوب چیست؟ اگر

منشأ امر شارع باشد، باز این پرسش در مورد آن مطرح می شود و تا بی نهایت این پرسش ادامه دارد؛ اما اگر منشأ وجوب عقلی باشد، مطلوب ما

ثابت می شود.

۴. أ. اسباب حکم عقل به حسن و قبح را به همراه مثال بنویسید. ب. آیا حسن و قبح سببش هرچه باشد داخل در محلّ نزاع است؟ توضیح دهید. ۲۴۴/۱۸ (ع: ۳ د: ۲)
۱. ادراک کمال یا نقص شیء مثل کمال و نقص جهل. ۲. ادراک ملایمت یا منافرت شیء با نفس مثل ملایمت عدل و منافرت ظلم. ۳. خلق یا رفتار انسانی همچون کرم و شجاعت. ۴. انفعال نفسانی همچون رقت و رحمت. ۵. عادت در نزد مردم مثل احترام الضیف بالطعام أو القيام له. ب. خیر بلکه فقط قسم اول و دوم در صورتی که کلی و نوعی باشند، داخل در محلّ نزاعند (یعنی در صورتی که ادراک کمال و نقص یا ادراک ملائمت و منافرت به طور کلی و نوعی باشد).
- * وإِنَّمَا وقع الخلاف فی مسألة الأجزاء فیما إذا کان هناك أمران أمرٌ أوّلی واقعی لم یتمثله المكلف إمّا لتعذّره علیه أو لجهله به وأمرٌ ثانوی إمّا اضطراری وإمّا ظاهری فإنّه إذا امتثل المكلف هذا الأمر الثانوی ثم زال الاضطرار أو الجهل صحّ الخلاف فی کفایة ما أتى به امتثالاً للأمر الثانی عن امتثال الأمر الأوّل.
۵. ضمن توضیح عبارت، مراد از امر اوّلی واقعی و ثانوی را بیان کنید. ۲۴۵
- اختلاف در مسألة اجزاء در این است که وقتی دو امر باشد یکی امر اوّلی واقعی (امری که به مقتضای مصالح و مفاسد واقع جعل شده بدون لحاظ اضطرار و جهل مکلف) که ملک آن را به خاطر اضطرار یا جهل امتثال نکرده است و دیگری امر ثانوی که یا اضطراری است یا ظاهری (امر ثانوی امری است که شارع مقدّس به مقتضای اضطرار مکلف در انجام امر اوّلی واقعی یا جهلش به آن جعل نموده است) که ملک این امر ثانوی را امتثال نموده سپس عذر برطرف شده و جهل زائل گردیده حال سؤال این است که آیا اتیان به این امر ثانوی مجزی از امتثال امر اوّلی هست یا خیر؟
۶. با توجه به محلّ نزاع در مقدمه واجب، ادلّه کسانی را بنویسید که می‌گویند محلّ نزاع، شامل مقدمه داخلیه نمی‌شود. ۲۷۱ (ع: ۲ د: ۲)
۱. به رکوع و سجود اجزاء نماز گفته می‌شود و مرکب (صلاة) هم چیزی غیر از اجزاء نیست، فکیف یفرض توقّف الشیء علی نفسه.
۲. بر فرض بپذیریم اجزاء مقدمه هستند با توجه به اینکه اجزای همان واجب هستند، وجوب آنها نفسی است و با فرض مقدمه بودن متصف به وجوب گیری هم می‌شود و اجتماع دو وجوب در یک شیء واحد می‌شود.
- * ورد فی الشریعة وجوب بعض المقدمات قبل زمان ذیها کوجوب قطع المسافة للحجّ قبل حلول آیامه ولكن یرد هنا أنّ وجوب المقدمة تابع لوجوب ذیها فکیف یفرض الوجوب التابع فی زمان سابق علی زمان فرض الوجوب المتبوع. ۲۷۷
۷. ضمن تقریر اشکال فوق، پاسخ مصنّف به آن را بنویسید.
- در شریعت مواردی وارد شده که مقدمه قبل از زمان ذی المقدمه وجوب پیدا می‌کند؛ مانند وجوب قطع مسافت برای حج قبل از حلول ایّام حجّ در اینجا این اشکال وارد می‌شود که وجوب مقدمه تابع وجوب ذی المقدمه است پس چگونه وجوب تابع، قبل از زمان وجوب متبوع به فعلیت می‌رسد. پاسخ مصنّف: وجوب مقدمه اساساً معلول و مترشّع از وجوب ذی المقدمه نیست؛ پس اساساً اشکالی در وجوب مقدمه نخواهد بود.
- * لابدّ أن یفرض الوضوء عبادة قبل فرض تعلق الأمر الغیری به؛ لأنّ الأمر الغیری إنّما یتعلّق بالوضوء العبادی بما هو عبادة، لا بأصل الوضوء بما هو، فلم تنشأ عبادیته من الأمر الغیری حتی یقال إنّ عبادیته لا تلائم توصیة الأمر الغیری. ۲۸۵/۵ (ع: ۲ د: ۲)
۸. با توجه به عبارت، چگونه غیری بودن مقدمه با عبادی بودن آن قابل جمع است؟ توضیح دهید.
- مقدمات عبادی قبل از تعلق امر غیری امر نفسی دارد که بواسطه همین امر نفسی عبادت محسوب می‌شود وقتی این عبارت - مقدمه عبادتی قرار گرفت مشمول امر غیری می‌شود در نتیجه منافاتی بین وجوب غیری مقدمه و عبادت بودن مقدمه لازم نمی‌آید.
- * اختلفوا فی أنّ الأمر بالشیء هل یقتضی النهی عن ضده أو لا یقتضی علی أقوال. ۲۹۴
۹. با توجه به عبارت، محلّ نزاع را در بحث ضدّ توضیح داده، منظور از «اقتضاء»، «ضرر» و «نهی» را تشریح کنید.
- نزاع اصولیون در این است که وقتی به چیزی امری تعلق گرفته آیا اقتضا می‌کند که یک نهی مولوی به ضدّ عام یا خاصش تعلق بگیرد؛ مثلاً وقتی مولا امر به ازاله نجاست از مسجد می‌کند آیا ترک ازاله و صلاة منهیّ به نهی مولوی می‌شود؟
- اقتضاء: لابدیة ثبوت النهی عن الضدّ عند الأمر بالشیء. نهی: منظور نهی مولوی از شارع است و لو تبعی باشد.
- ضدّ: مطلق معاند و منافی اعمّ از وجودی و عدمی.